



سراینده:

محمد حسین مژگانی (سعید)

|                       |                              |
|-----------------------|------------------------------|
| سرشناسنامه:           | مژگانی، محمدحسین، ۱۳۲۹.      |
| عنوان و نام پدید آور: | ماجرای اشک/ محمد حسین مژگانی |
| مشخصات نشر:           | یزد: لاله کویر، ۱۳۸۹.        |
| مشخصات قاهره:         | ۴۰۰ ص                        |
| شابک:                 | ۹۶۴-۷۱۴۶-۴۵-۰                |
| وضعیت فهرست نویسی:    | فیا                          |
| موضوع:                | شعر فارسی- قرن ۱۴.           |
| رده بندی کنگره:       | ۸۴ ۱/۶۳                      |
| شماره کتابشناسی ملی:  | ۱۰۹۴۳۱۴                      |



انتشارات لاله کویر

شناسنامه کتاب

|           |                                      |
|-----------|--------------------------------------|
| نام کتاب: | ماجرای اشک                           |
| مؤلف:     | محمد حسین مژگانی (سعید)              |
| ناشر:     | انتشارات لاله کویر- تلفن ۳۵۲۴۲۶۷۰    |
| چاپ:      | اول - تابستان ۹۴                     |
| قطع:      | وزیری                                |
| تیراژ:    | ۲۰۰۰ جلد                             |
| قیمت:     | ۱۸۰۰۰۰ ریال                          |
| شابک:     | ۹۶۴-۷۱۴۶-۴۵-۰                        |
| مرکز پخش: | کتابفروشی فرز انگان - تلفن: ۳۷۲۵۵۵۰۹ |

# فهرست مطالب

| عنوان        | مطلع                                    | صفحه   |
|--------------|-----------------------------------------|--------|
|              |                                         | غزلیات |
| هستی بخش     | به نام آنکه هستی را رقم زد              | ۱۵     |
| دامن مهتاب   | نباید از خرابی جغد هم کاشانه ما را      | ۱۷     |
| طریخانه صبح  | تا پریشان نکند باد صبا موی تو را        | ۱۹     |
| خانه پوشالی  | دوش از دست غمت دیده تر بود مرا          | ۲۰     |
| خاطر حزین    | تا درون سینه آه آتشین باشد مرا          | ۲۱     |
| وصال         | گل لعل در حسن روی و بوی آغوش تو را      | ۲۳     |
| نصیحت        | نصیحت است ز پیری جوان برنا را           | ۲۴     |
| سودای جهان   | تا ز سودای جهان یکدم بریدم خویش را      | ۲۶     |
| جام نگهت     | کرده ز جام سحر زلف تو دیوانه مرا        | ۲۸     |
| کاشانه ما    | بی تو سرد است زانو و خانه و کاشانه ما   | ۲۹     |
| مه جبین      | مرنجان خاطر من بنشین به مه جبین امشب    | ۳۱     |
| افسانه محبت  | دل من گرفته و دارد هری او امشب          | ۳۲     |
| محفل ما      | به یاد چشم مستت گوشه میخانه ام امشب     | ۳۴     |
| مهر سکوت     | هم نوا گشته مگر با دل من این شب         | ۳۶     |
| مرغ گرفتار   | همدمی نیست به جز چشم گهر بار امشب       | ۳۸     |
| انگشت نما    | دل بسته به گیسوی تو چون شانه ام امشب    | ۳۹     |
| شکسته خاترم  | شکسته خاترم از دست روزگار امشب          | ۴۱     |
| خانه به دوش  | از دست غمت گوشه ی میخانه ام امشب        | ۴۲     |
| آهنگ رباب    | بخت من هم چو دو چشم تو به خواب است امشب | ۴۴     |
| شوق وصل      | امروز را دل از غم فردا فگار نیست        | ۴۶     |
| چهره بنمای   | چهره بنمای که عاشق و مستم امشب          | ۴۸     |
| سراب         | جز اشک و آه حسرت و غم در زمانه نیست     | ۴۹     |
| کوکب شبانه   | شبی که تیر نگاهم تو را نشانه گرفت       | ۵۱     |
| سوال بی جواب | گذشت عمر چو رویا که شب به خواب گذشت     | ۵۳     |
| خروس سحر     | زمانه آنچه به من داد با بهانه گرفت      | ۵۵     |
| تاراج خزان   | جز یاد تو در خاطر من جای کسی نیست       | ۵۷     |

# فهرست مطالب

| عنوان          | مطلع                                   | صفحه |
|----------------|----------------------------------------|------|
| غم بی حاصلی    | با شما مردم هوشیار مرا کاری نیست       | ۵    |
| کمند حادثه     | مجال خنده ندارد دلی که پر درد است      | ۶    |
| خم گیسو        | تا دلم در خم گیسوی تو زنجیر شده است    | ۶    |
| بهار عمر       | عمریست که با تو گفتگویم هوس است        | ۶    |
| لحظه دیدار     | من شدم غافل و زود از برم آن یار گذشت   | ۶    |
| دل تنگم        | دل تنگی و بی تو در دل تنگم قرار نیست   | ۶    |
| بی خبر         | گرمی از روی تو امشب دل دیوانه گرفت     | ۶    |
| چرا برفت       | بدرود گفت و رفت ندانم چرا برفت         | ۶    |
| بذر محبت       | بهار آمد و بر سر ریزگار میمون است      | ۷    |
| وصل و هجران    | جان ما در حسرت جای در این میخانه سوخت  | ۷    |
| تلخی وداع      | از برم رفتی و دیگر نتوانم تنهاییم نیست | ۷    |
| یاد شنبه       | چو عصر جمعه دل بی قرار مر تنگ است      | ۷    |
| دفتر زمانه     | شب می رود ز نیمه و میل به خواب نیست    | ۷    |
| قفس سینه       | رفتی ز پیش دیده و یاد تو در دل است     | ۷    |
| ساغر شکرانه    | عاقلان قهر شما با من دیوانه ز چیست     | ۸    |
| زندانیان تقدیر | نمانده صبر و شکیم دل قرار نیست         | ۸    |
| غفلت           | ای دل عاقل بدان دنیا سرایی بیش نیست    | ۸    |
| فتر افسانه     | دلم اندر غم بی مهری جانانه بسوخت       | ۸    |
| عم زمانه       | روزی نبود کاین دل ما بار غم نداشت      | ۸    |
| نقطه ابهام     | آنکه برده است قرار از دل آرام کجاست    | ۸    |
| ره مقصود       | مستیم امشب ز مینا یا خم خمار نیست      | ۹    |
| مهر سکوت       | آمد و بر سر بالین من زار گریست         | ۹    |
| درد انتظار     | به روی شانه من سر نهاد و زار گریست     | ۹    |
| خم گیسو        | تا دلم در خم گیسوی تو زنجیر شده است    | ۹    |
| همدم تنهایی    | رفتی و یاد تو در خلوت تنهای من است     | ۹    |
| بال خاطر       | خواهم دوباره ای گل زیبا ببینمت         | ۹    |
| طایر سر بسته   | مطربا با زخمه سازت دلم همراه نیست      | ۱۰   |

# فهرست مطالب

| صفحه | مطلع                                  | عنوان        |
|------|---------------------------------------|--------------|
| ۱۵۱  | نیامدی و مرا از تو دل به فریاد است    | اسیر زلف     |
| ۱۵۲  | یارب چه کنم ز آنکه مرا هممنفسی نیست   | هم نفس       |
| ۱۵۴  | شبی کردم حکایت با شب از شبهای هجرانت  | مرغ حق       |
| ۱۵۵  | یار ما کاین جلوه در پرده اسرار داشت   | پرده اسرار   |
| ۱۵۷  | زمانه با دل ما سازگار باید و نیست     | صبح جوانی    |
| ۱۵۹  | به پهن دشت جهان کشت و کار ما گذر است  | عروس جهان    |
| ۱۱۰  | ز مهرگان حکایت دوران توان شنید        | حکایت دوران  |
| ۱۱۱  | بخت ز باده گل رنگ ارغوانی باد         | سخن نغز      |
| ۱۱۳  | رفی از پیشم و مهرت به دلم جا دارد     | آئین مدارا   |
| ۱۱۵  | دیدن آن شمع چگل چهره برافروخته بود    | شمع چگل      |
| ۱۱۷  | کسی به در من خسته مبتلا نشود          | گره گشا      |
| ۱۱۹  | دانی دل رهنده به سویش چرا رود         | لطف دوست     |
| ۱۲۱  | شب از احیا چنین به رخ خود نقاب زد     | در عالم خیال |
| ۱۲۳  | در گذر ویرانه دیدم خانه ام آمد به یاد | گردش ایام    |
| ۱۲۵  | جز روی دوست دوش به دل آرزو نبود       | مرغ خیال     |
| ۱۲۶  | دیدن آن یار سفر کرده ز من یاد نبرد    | قاصد باد صبا |
| ۱۲۷  | یاد روزی که دلش با من دلباخته بود     | کشور دل      |
| ۱۲۸  | غم هم نظر به من ز عنایت نمی کند       | کاروان عمر   |
| ۱۲۹  | دانه تسبیح اگر از گل پیمانه نبود      | غم هجران     |
| ۱۳۱  | در ازل دانه خال تو در این دامم کرد    | دانه خال     |
| ۱۳۲  | نسیم صبح زیار آگهی به ما آورد         | نسیم صبح     |
| ۱۳۴  | نیست در دهر چو من عاشق و شیدای دگر    | شیدای دگر    |
| ۱۳۵  | در سرم نیست به جز عشق تو سودای گر     | بادیه پیما   |
| ۱۳۷  | هر دم دل بی طاقتم دارد تمنایی دگر     | خاوت تنهائیم |
| ۱۳۸  | ره ندارد به دلم جز تو دلارای دگر      | پای همت      |
| ۱۳۹  | وزید باد خزان این پیام آور عمر        | باد خزان     |
| ۱۴۱  | ورق خورد به نسیمی مدام دفتر عمر       | نسیم         |

# فهرست مطالب

| صفحه | مطلع                                           | عنوان         |
|------|------------------------------------------------|---------------|
| ۱۴۱  | مهلتم گر دهد این عمر دو فردای دگر              | تمنای دگر     |
| ۱۴۰  | نیست چو من به در میکده رسوای دگر               | ساقی بزم      |
| ۱۴۱  | صد پاره شد دلم ز غم و درد انتظار               | دست روزگار    |
| ۱۴۸  | اگر سیل سرشکم خانه از بنیان برد ویرانه ای کمتر | خاک غربت      |
| ۱۵۰  | گرچه آرردی و داری قصد آرام هنوز                | بد گمان       |
| ۱۵۰  | نیست غم از باده عشق تو در جامم هنوز            | باده عشق      |
| ۱۵۱  | معجزان صفت ز عشق تو دیوانه ام هنوز             | آشنای دوست    |
| ۱۵۰  | گیسوی او را من در بند این دامم هنوز            | بخت خواب آلود |
| ۱۵۱  | رفتی و یاد تو با این دل تنهاست هنوز            | دل تنها       |
| ۱۵۱  | ای جان دگر ز درد من مبتلا مپرس                 | زبان تیشه     |
| ۱۶۰  | فلک از خوان تو یک لقمه نان ما را بس            | لقمه نان      |
| ۱۶۱  | دلبر! دست غمت دیدم ترا را بس                   | خون جگر       |
| ۱۶۱  | خسته ام خسته ام از بی سر و ساهای خویش          | بار گران      |
| ۱۶۰  | یا رب گناه ما تو به گیسوی یار بخش              | نامه سیاه     |
| ۱۶۰  | آمد زکوی میکده ام این سخن به گوش               | بار امانت     |
| ۱۷۰  | بشکسته ام چو نای من از اسرار آه خویش           | جام لعل       |
| ۱۷۱  | ز درد در آمد و دیدم دو چشم جادویش              | آبشار گیسویش  |
| ۱۷۱  | تا خود هستم همه جا همدم تنهایی خویش            | غم تنهایی     |
| ۱۷۰  | از غمت در دل فروزان آتشی دارم چو شمع           | شمع           |
| ۱۷۰  | از دیده خون رود ز کنارم به جای اشک             | ماجرای اشک    |
| ۱۷۸  | ز دست زندگی از بس که من فغان کردم              | خنده مستانه   |
| ۱۸۰  | عمریست بی حضور تو تنها نشسته ایم               | سوز و گداز    |
| ۱۸۱  | شب بی فروغ روی تو تنها گریستم                  | در دامن فلک   |
| ۱۸۱  | روزی که دستش می حمرا زده بودیم                 | می حمرا       |
| ۱۸۰  | عهدی که با دو چشم سیاه تو بسته ایم             | عهد و پیمان   |
| ۱۸۸  | دوش بی روی تو ای خورشید تابان سوختم            | اشک حسرت      |
| ۱۹۰  | روزی که پا به عرصه دنیا گذاشتیم                | افسانه ی جهان |

# فهرست مطالب

| صفحه | مطلع                                 | عنوان       |
|------|--------------------------------------|-------------|
| ۱۹۲  | به یاد روی تو در ماه شب نظاره کنم    | یاران متفوق |
| ۱۹۴  | رفتی ز بزم بی تو من ای یار بگریم     | دو اسیر     |
| ۱۹۶  | بشکسته آه من در گلو چون فغان کنم     | شرح اشتیاق  |
| ۱۹۸  | ما هم غم فراق نهانی کشیده ایم        | گذر عمر     |
| ۲۰۰  | ما روی دل در آن خم ابرو نهاده ایم    | دامگ        |
| ۲۰۲  | خاطر آسوده به میخانه ز آفات کنیم     | ملاقات      |
| ۲۰۴  | عالتی آشفته تر از موی تو شب ها دارم  | بی پرو      |
| ۲۰۶  | ناله روی تو ز یادم نه می کنی یادم    | زلف پریشان  |
| ۲۰۸  | صبح در خواب گران بود که بیدار شدم    | مو شکاف     |
| ۲۱۱  | بیایک مو سو در جان خویشتن دارم       | حدیث محبت   |
| ۲۱۲  | دل رفیر شبی به بر نمی بینم           | مرهم اشک    |
| ۲۱۳  | در غم بی مروتی آن ماه شبها سوختم     | آتش دل      |
| ۲۱۴  | روزگارا شکوه از دستت کرر می کنم      | هراس        |
| ۲۱۶  | خود خراب از باده لعل لب جانانه ام    | ماه و پروین |
| ۲۱۷  | بیرون خیال روی از سر نمی خورم        | جام محبت    |
| ۲۱۹  | ما نیز عمر خود سر سودا گذاشتیم       | گریه مینا   |
| ۲۲۰  | هم چو مجنون عاشق و شیدا منم          | شام بی فردا |
| ۲۲۱  | عمریست بی حضور تو تنها نشسته ایم     | انتظار      |
| ۲۲۳  | ز یک رنگی میان انجمن دیوانه را مانم  | غم بی مهری  |
| ۲۲۵  | یک نظر عاقبت از دور نگاهش کردم       | نظر         |
| ۲۲۷  | ما هم ای غافل چو گل روز بهاری داشتیم | محراب عشق   |
| ۲۲۸  | سالها از پی همرفت و نیامد یارم       | نقطه پرگار  |
| ۲۳۰  | آنقدر مستم که میریزد شراب از دیده ام | با سبو      |
| ۲۳۱  | گر چون قلم به سر ره میخانه طی کنم    | قلم         |
| ۲۳۳  | اشکم امان نداد به رویش نظرکنم        | آه سینه سوز |
| ۲۳۴  | ای دوست بیا در غم جانانه بگیریم      | شمع شبستان  |
| ۲۳۵  | رفتی و در فراق تو گریان نشسته ام     | ابر بهاران  |

# فهرست مطالب

| عنوان            | مطلع                                     | صفحه |
|------------------|------------------------------------------|------|
| خانه ویران       | من قصه ی این خانه ویران به که گویم       | ۲۳   |
| چرخ کج مدار      | گفتم سحر حکایت دل با سبو ک               | ۲۳   |
| ماه شب افروز     | گفتم بیا که بی تو پریشان و خسته ام       | ۲۳   |
| دلبر فتنه ام     | برد از من دل به یغما دلبر فتنه ام        | ۲۳   |
| مستانه بگیریم    | مجنونم و با این دل دیوانه بگیریم         | ۲۴   |
| غم ایام          | آن شب که من از دست تو پیمانه گرفتم       | ۲۴   |
| چشم روزگار       | طره الحکم ز چشم روزگار افتاده ام         | ۲۴   |
| دل زار           | خو، همه ز دست تو و دل زار بگیریم         | ۲۴   |
| اسیر دیده به راه | دیشب به یاد چشم سیاهی گریستم             | ۲۴   |
| نکته دان         | تا مست جام باده ز چمن ارغوان شدم         | ۲۴   |
| آب بقا           | مست مستم چه کنم سر پای ب خیزم            | ۲۴   |
| قرار من          | رفتی تو از کنارم و بردم فرار من          | ۲۵   |
| اسیر این قفس     | گریه امان نمی دهد درد دام بیای کنم       | ۲۵   |
| مشعلم            | چو شمع شعله کشد این دلی که من دارم       | ۲۵   |
| کوکب بخت         | سری دارم چو مجنون پر ز شور از عشق یلای   | ۲۵   |
| توسن بخت         | تا دمی تنها شدم با قیل و قال خویشتن      | ۲۵   |
| هوای تو          | رفتی و می تپید دلم اندر هوای تو          | ۲۵   |
| من و او          | تا این که این پرده حجاب است میان من و او | ۲۵   |
| نونهال حسن       | دیدم به دست ساغر مهیا گرفته ای           | ۲۶   |
| زبان اشاره       | ای دل تو مست بوی گل روی کیستی            | ۲۶   |
| زانوی غم         | ای باده مراد تو در جام کیستی             | ۲۶   |
| پیردنيا          | دوش کردم این سوال از پیر دنیا دیده ای    | ۲۶   |
| گرگ اجل          | می برد گرگ اجل زین رمه هر روز بسی        | ۲۶   |
| مرثیه            | سالیست رفته ای تو و خالیست جای تو        | ۲۶   |
| مرثیه            | ز فرقت همه یاران رفته زار بگیریم         | ۲۶   |
| کیمیای وجود      | بده ساقی آن بسدین جام را                 | ۲۷   |
| آه خسته ام بخش   | خدایا خود به آه خسته ام بخش              | ۲۷   |

# فهرست مطالب

| صفحه | مطلع                                   | عنوان       |
|------|----------------------------------------|-------------|
| ۲۷۸  | مستم و دردی کش میخانه ام               | رند خرابات  |
| ۲۸۰  | علی از زبان گشودم کنم از تو گفتگوئی    | کوکب هدایت  |
| ۲۸۲  | ای پاره تن و جگر مصطفی حسین            | غم عظمی     |
| ۲۸۴  | اعدا که در زدند به پهلوی فاطمه         | فاطمه       |
| ۲۸۵  | زینب امشب با عزاداری قیامت می کند      | شاهکار خلقت |
| ۲۸۶  | بلبل به باغ چهچه زنان خود به غنچه گفت  | بهاریه      |
| ۲۸۷  | دهید مژده که این که بهار می آید        | بهاریه      |
| ۲۸۸  | ... انصافی عنایت کن به این گچ کارها    | گچ کارها    |
| ۲۹۱  | یا رب این شاخاب ایران از حوادث دور دار | خلیج فارس   |
| ۲۹۲  | روزی سحر به خطه ... نم آرزوست          | آرزو        |
| ۲۹۴  | چندیست که از بون تو دود تو مستیم       | مطایبه      |
| ۲۹۶  |                                        | رباعیات     |
| ۳۸۳  |                                        | خاطره ها    |
| ۳۸۶  |                                        | گل سرخ      |
| ۳۸۸  |                                        | دغدغه فردا  |
| ۳۹۰  |                                        | شب یلدا     |
| ۳۹۱  |                                        | آینه آب     |
| ۳۹۳  |                                        | تنگ غروب    |
| ۳۹۶  |                                        | آهنگ سفر    |
| ۳۹۷  |                                        | آرام دیدن   |